

وقتی می‌گویی «اقتصاد قاجار»، دادن امتیازات هنگفت به دول خارجی و بریز و بیاش‌های درباریان و شاه به ذمت می‌آید. اما تاریخ شاهد نمونه‌های انگشت‌شماری در این دوران هم بوده که قصد داشته‌اند جلوی سوءاستفاده خارجی‌ان و درباریان را بگیرند. قائم مقام فراهانی (صدر اعظم محمدشاه) و امیرکبیر (صدر اعظم ناصرالدین شاه) نمونه‌هایی از این دست‌اند.

مینا چوپانی

مروری بر سیاست‌های اقتصادی امیرکبیر برای رونق دادن به تولید ملی شال کرمانی، سماور اصفهانی



پوشیدن لباسی از پارچه‌های ایرانی، از منسوجات کشور حمایت می‌کرد تا آن‌جا که شال کرمان به خاطر استفاده و تشویق‌های امیر به شال امیری معروف شده بود. با فرا رسیدن عید نوروز هم به امنای دولت، شال کرمانی عیدی می‌داد.

صادرات به جای واردات
با افزایش کیفیت کالاهای ایرانی علاوه بر این که بازار کالای فرنگی محدود شد، صادرات ایران نیز افزایش یافت. رقم صادرات در سال 1267 به بیش از یک میلیون لیره انگلیس رسیده بود. تا قبل از امیر، موازنه صادرات و واردات ایران با انگلیس یک جانبه بود. اما در این دوره ایران به انگلیس ابریشم صادر می‌کرد و به روسیه علاوه بر آن، غله، پنبه و نیشکر، به عثمانی هم تنباکو، چادر شب، پنبه، پارچه‌های پشمین و گوسفند و به هند خشکبار و اسب می‌فرستاد. امیر گرچه نمی‌توانست قراردادهای پیشین را لغو کند و حق گمرکی را از 5 درصد افزایش دهد اما با حمایت از تولیدات داخلی توانست حق تجارت آزادی را که به سود روس و انگلیس بود بر هم زند. اما متأسفانه عمر صدارت او چندان طول نکشید و آنان که ناشان آجر شده بود میرزاتقی خان امیرکبیر را به سینه خاک رهسپار کردند.

درآورد. اگر چه بعد از پایان عمر اندک صدارت امیر، نه کارگاهی برای او ماند و نه حق انحصاری.

درنمایشگاه بین‌المللی

امیرکبیر بعضی اساتید خارجی را برای آموزش به دارالفنون دعوت کرد و بعضی دانشجویان را برای فراگیری بعضی علوم و صنایع به خارج فرستاد. بنای کارخانه‌های جدید توسط همین افراد در ایران گذاشته شد. کارخانه بلورسازی در تهران، کاغذسازی در اصفهان، شکرریزی و چدن سازی و چیلان‌گری در ساری و کارخانه‌های بخاری، چرخ‌سازی و تصفیه شکر و قندسازی در دیگر نقاط کشور.

کیفیت کالاهای ایرانی در زمان امیرکبیر چنان افزایش یافته بود که از ایران برای حضور در نمایشگاه بین‌المللی لندن دعوت شد. حدود هزار پای مساحت نمایشگاه به کالاهای ایرانی

امیر خود با پوشیدن لباسی از پارچه‌های ایرانی، از منسوجات کشور حمایت می‌کرد تا آن‌جا که شال کرمان به خاطر استفاده و تشویق‌های امیر به شال امیری معروف شده بود. با فرا رسیدن عید نوروز هم به امنای دولت، شال کرمانی عیدی می‌داد.

اختصاص داده شد. امیر هم قالی ایرانی، شال کرمانی با طرح کشمیری، شال باب روم، ترمه، پوست، قلمکار، حریر، مخمل، اطلس، ابریشم، کتان، خاتم‌کاری، قلم‌دان، کلیجه، مروارید، فیروزه، اسلحه و ادوات جنگی را که هنر دست صنعت‌گران شهرستان‌های ایران بود، به نمایشگاه لندن فرستاد.

امیری به جای کرمانی

حمایت‌های امیرکبیر از تولیدات ایرانی تنها با دادن حق انحصاری به تولیدکنندگان و تشویق آنان به افزایش کیفیت تولیدات نبود. امیر خود با

زمان او چنان بر کیفیت آن افزوده شد که میان شال چوقای پشمی مازندران با ماهوت متوسط نمی‌شد فرقی گذاشت. به دستور او همچنین شال کرمان چنان با کیفیت عرضه شد که تاجرین شال نمی‌توانستند میان شال کرمان و کشمیر تفاوت بگذارند و شال کرمان را به جای شال کشمیری می‌خریدند.

اصفهانی به جای روسی

امیرکبیر برای حمایت از تولیدات ملی، دنبال بهانه بود. از پارچه‌های پنبه و گچ حاجی محمد حسین کاشانی که از ماهوت بادوام‌تر بود، نزدیک دوهزار دست کلیجه برای لباس نظامیان دولت سفارش داد. زری دوزی لباس نظامیان را هم به خورشید خانم داد تا مليله دوزی و مفتول دوزی آن‌ها را انجام دهد. کاری که قبل از آن در اتریش و عثمانی انجام می‌گرفت.

پیرو همین سیاست بود که در سال 1267 طبق دستور امیر کارگاه کالسکه سازی در تهران و اصفهان به راه افتاد و در روزنامه وقایع الاتفاقیه تبلیغ شد که: «کالسکه برای راحتی رفت و آمد خلق است. هر کس بخواهد چه نوکر و چه اعیان و اشراف می‌تواند سفارش دهد.» یک بار هم ملک‌التجار روسی برای امیر یک سماور و چند فنجان هدیه فرستاد. امیر که سماور را پسندیده بود آن را به دواتگر ماهری در اصفهان سپرد تا از آن نمونه‌ای بسازد و چون کار او را پسندید، تولید سماور را شانزده سال در انحصارش

معافیت مالیاتی

میرزاتقی خان امیرکبیر زمانی حکومت را به دست گرفت که اوضاع اقتصاد مملکت سخت نابه‌سامان بود. هر روز بیش از گذشته طلا و نقره از ایران خارج می‌شد و اجناس بنجل فرنگی به بازارها سرازیر می‌شد. مضاف بر آن با حق گمرک 5 درصدی، دیگر کالاهای ایرانی فرصتی برای عرضه نداشتند. امیر در گام نخست فرمان آزادی استخراج معدن برای اتباع ایران را در سال 1267 صادر کرد. مردم را هم تشویق کرد که هر کس از اتباع ایران، چه نوکر، چه رعیت و چه اشراف و اعیان، به استخراج معدن بپردازد تا 5 سال از مالیات معاف می‌شود. این گونه بود که چرخ صنعت معدن کشور به راه افتاد و معادن مس و آهن قراچ داغ، آهن ماسوله گیلان، آهن نانچ مازندران و زغال سنگ شاهرود مورد بهره برداری قرار گرفت. ماده قطران که تا این زمان از قفقاز آورده می‌شد در رحمت آباد گیلان تولید شد و امیر دستور داد آن قدر بر تولید بیفزایند که بابت خرید آهن از حاجی ترخان و امثال او مستعفی شوند.

کرمانی به جای کشمیری

امیر با تشویق مردم به تولید ابریشم در پی تولید پارچه‌های ابریشمی نیز برآمد. با برپایی کارخانه‌های ریسمن‌ریسی در تهران و چلواربافی در حد فاصل تهران و شمیران و حریربافی در کاشان، تولید منسوجات در ایران رونق گرفت. با افزایش کمیت و کیفیت صنعت ابریشم در ایران، صادرات ابریشم افزایش یافت و در خود ایران نیز همه اقسام پارچه‌های ابریشمی اروپایی تولید شد. از جمله حریر، زربفت، تافته و انواع مخمل. پیش از آمدن امیر، در مازندران شال چوقای پشمی فقط برای اهالی آن‌جا تولید می‌شد، اما در

روس و انگلیس به امیر شکوه و شکایت می‌کردند که امیر نمی‌گذارد تاجران ایران کالای فرنگی بخرند. امیر هم شانه بالا می‌انداخت و می‌گفت من از کالای فرنگی بد نگفتم، فقط از کالای خودمان خوب گفتم، مردم خودشان کالای ایرانی می‌خواهند.